

طالiban

خاستگاه و مبانی فکری

[مازیار کریمی حاجی خادمی]



کتاب وانشجو

طالبان

خاستگاه و مبانی فکری

مازیار کریمی حاجی خادمی
ناشر: انتشارات کانون اندیشه جوان
طراح جلد: حامد میرزاحسینی
چاپ اول: ۱۳۹۲
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۹۰۰۰ تومان
چاپ و مصاحفی: چاپ مجاب



کانون اندیشه جوان

سرشناسه: کریمی حاجی خادمی، مازیار، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور: طالبان: خاستگاه و مبانی فکری / مازیار کریمی حاجی خادمی.
مشخصات نشر: تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۲۳۰ ص.
قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال شابک: 978-600-159-130-3
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا. یادداشت: کتابنامه. یادداشت: چاپ
موضوع: گروه طالبان.
موضوع: افغانستان — تاریخ — ۱۳۹۲ — جنبش‌ها و قیام‌ها.
شناسه افزوده: کانون اندیشه جوان.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ط ۱ ک / ۳ / DS۳۷۱
رده‌بندی دی‌ویی: ۹۵۸/۱۰۴۶
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۶۱۱۵۳

فروشگاه و نمایشگاه دائمی: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی،

پلاک ۵۶ تلفن ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۹	بخش اول: آشنایی اولیه با طالبان

۲۳ فصل اول: اندیشه سیاسی، رهبری و تشکیلات حکومتی. ۱-۲۳. اندیشه سیاسی. ۲-۲۵. رهبری. ۳-۲۶. تشکیلات حکومتی. ۳-۱-۲۹. مجلس شورای عالی. ۳-۲-۳۱. کابینه و وزیران. ۳-۳-۳۴. شورای نظامی. ۳-۴-۳۵. سایر نهادها. ۴-۱ فصل دوم: زمینه های ساختاری و علل شکل گیری طالبان. ۱-۴۲. زمینه های ساختاری. ۱-۴۳. عملکرد نامطلوب نیروهای مجاهدین. ۲-۴۵. بحران اقتصادی. ۳-۴۶. فقر فرهنگی و باورهای غلط سنتی. ۱-۴-۴۷. عدم امنیت. ۵-۴۷. مسئله قومیت. ۲-۵۰. علل. ۲-۱-۵۱. پاکستان. ۱-۵۴. ۲-۱-۲-۵۷. منافع سیاسی. ۲-۱-۲-۵۷. منافع اقتصادی. ۲-۱-۳-۵۸. منافع مذهبی. ۲-۲-۶۰. عربستان. ۲-۳-۶۲. آمریکا. ۶۵ فصل سوم: طالبان در عرصه دین، فرهنگ و اقتصاد. ۱-۶۵. دین. ۱-۶۷. فقدان تعقل و اجتهاد در اصول و فروع دین. ۲-۶۷. اصالة الحرمة. ۱-۳-۶۸. تأکید بر ظواهر شریعت. ۷۰-۴-۱. عدم بصیرت دینی. ۱-۵-۷۲. خشونت در اجرای احکام. ۱-۶-۷۳. ضدیت با تشیع. ۱-۷-۷۴. نگاه منفی به زنان. ۱-۸-۷۶. اجبار مردم در اجرای احکام. ۱-۹-۷۷. جهاد. ۲-۷۸. فرهنگ. ۲-۱-۷۹. اداره امر به معروف و نهی از منکر. ۲-۲-۸۱. نظام تعلیم و تربیت. ۲-۳-۸۲. فرهنگ، هنر و وسایل ارتباط جمعی. ۲-۳-۱-۸۲. عکس. ۲-۳-۲-۸۳. موسیقی. ۲-۳-۳-۸۳. وسایل ارتباط جمعی. ۲-۳-۴-۸۴. دانشگاه. ۲-۳-۵-۸۵. میراث فرهنگی و آثار باستانی. ۲-۳-۶-۸۶. زبان فارسی. ۳-۸۷. اقتصاد.

بخش دوم: سیر تاریخی مبانی کلامی اندیشه طالبان

۹۱

۱۹۶. ۱. خوارج. ۱-۱۹۶. ۱. عدم بصیرت دینی. ۱-۲۹۹. ۱. تضاد رفتاری و ایدئولوژیکی. ۱-۳۱۰۰. ۱. خشونت. ۱-۴۱۰۲. ۱. عمل‌گرایی مفرط. ۲-۱۰۴. اصحاب حدیث (اهل حدیث). ۲-۱۰۸. ۲. حنابلہ. ۲-۲۱۱۰. ۲. اشاعره. ۱۱۲. ۲-۳. ۲. ابن تیمیہ. ۲-۴۱۱۶. ۲. وهابیت. ۳-۱۱۹. ۳. طالبان و وهابیت. ۳-۱۱۲۰. ۳-۳. ۳. خلافت خلفای راشدین. ۳-۲۱۲۱. ۳. طالبان و مذهب حنبلی. ۳-۳۱۲۲. ۳. و سبب امر به معروف و نهی از منکر. ۳-۴۱۲۳. ۳. حذف عقلانیت در دین و سیاست. ۳-۵۱۲۴. ۳. تخریب میراث دینی و فرهنگی با شعار مبارزه با بت‌پرستی. ۳-۶۱۲۵. ۳. پایبندی به ظواهر شریعت. ۳-۷۱۲۶. ۳. ضدیت و دشمنی با تشیع. ۳-۸۱۲۶. ۳. قتل عام مسلمانان. ۳-۹۱۲۷. ۳. تفکر وهابیت و طالبانیسم، آلت دست سیاسیون. ۳-۱۰۱۲۸. ۳. وابستگی بزرگان طالبان به احزاب پیشین موجود در افغانستان. ۴-۱۲۹. ۴. سلفیه.

بخش سوم: جریان‌ها و گروه‌های سیاسی مؤثر در تفکر طالبان

۱۳۷

۱۴۱. فصل اول: جمعیت‌ها و گروه‌های سیاسی - مذهبی. ۱-۱۴۱. دیوبندیہ. ۱-۱۴۳. ۱. دیوبندیہ و وهابیت. ۱-۲۱۴۵. ۱. دیوبندیہ و جمعیت العلماء الإسلام. ۱-۳۱۴۷. ۱. علل جذب مهاجرین و آوارگان افغانی در مدارس مذهبی پاکستان. ۱-۴۱۵۰. ۱. مهم‌ترین شاخه‌های جمعیت العلماء الإسلام. ۱-۴۱۵۰. ۱. شاخه مولانا فضل الرحمن. ۱-۴۱۵۱. ۱. شاخه مولانا سمیع الحق. ۱۵۳. ۱-۴-۳. ۱. جامعہ (جمعیت) العلوم الإسلامیہ. ۱-۴-۴۱۵۴. ۱. سیاه صحابه. ۱۵۶. ۱-۵. ۱. آموزه‌های طالبان از مکتب دیوبندیہ و مدارس مذهبی. ۱-۵-۱۱۵۶. ۱-۵. تفکر دیوبندی. ۱-۵-۲۱۵۷. ۱. ضدیت با تشیع. ۱-۵-۳۱۵۷. ۱. نگاه منفی به زنان و ایجاد محدودیت در روابط اجتماعی. ۱-۵-۴۱۵۸. ۱. مبانی اعتقادی وهابیت. ۱-۵-۵۱۵۹. ۱. عشق به جهاد. ۱-۵-۶۱۶۰. ۱. عدم پویایی تفکر و اندیشه. ۲-۱۶۱. ۲. القاعده. ۲-۱۶۴. ۲. بن‌لادن و طالبان. ۲-۲۱۶۵. ۲. آموزه‌های

فکری القاعده. ۱۷۰ ۳. اخوان المسلمین و جماعت اسلامی. ۱۷۱ ۱-۳.
 رادیکالیسم اسلامی. ۱۷۱ ۲-۳. بنیادگرایی. ۱۷۵ فصل دوم: جهانی شدن و
 جهانی سازی. ۱۷۵ ۱. جهانی شدن. ۱۷۷ ۲. جهانی سازی. ۱۷۸ ۱-۲.
 جهانی سازی و بنیادگرایی. ۱۸۰ ۲-۲. جهانی سازی و طالبان.

۱۸۵ بخش چهارم: طالبان و قومیت پشتون

۱۸۸ ۱. جامعه افغانستان و طالبان. ۱۹۱ ۲. قومیت پشتون. ۱۹۲ ۳. طالبان و
 پشتونیزم. ۱۹۴ ۱-۳. قدرت طلبی. ۱۹۴ ۲-۳. مردسالاری و نگاه منفی به
 زنان. ۱۹۵ ۳-۳. پیغور. ۱۹۶ ۴-۳. لویه جرگه (جرگه سران قبایل). ۱۹۶ ۵-
 ۳. اعدام قاتل به دست خانواده مقتول. ۱۹۷ ۶-۳. نظام اندیوالی. ۱۹۸ ۷-۳.
 طالبان و تصوف.

نتیجه گیری	۲۰۱
کتابنامه	۲۰۷
۲۰۷ ۱. فارسی. ۲۱۳ ۲. عربی. ۲۱۵ ۳. وبگاه‌ها.	
فهرست آیات	۲۱۷
نمایه	۲۱۹
نمایه موضوعی	۲۲۷

پیشگفتار

آدمی در سبزه‌ی کران عقل‌ورزی و امدار طلوع خورشید دیانت می‌شود و به مدد نور و حرارت منبئی این چنین، گفتمان معرفتی مسلط بر زندگانی را تعمیق و توسعه می‌بخشد. بینش‌ها و اندیشه‌ها، نگاه‌ها و درک‌ها، آنگاه مسیری متعالی خواهند داشت که از سرچشمه‌های زلال، سالم و مطمئنی برخوردار گردند. بسترسازی برای ورود به این مسیر متعالی و پاسخگویی به نیازهای فکری و فرهنگی در جامعه جوان ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه و نیز درک آموزه‌های دین مبین اسلام به‌عنوان اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی است. توجه به همین حقایق راهبردی، زمینه شکل‌گیری «مرکز پژوهش‌های فکری و فرهنگی جوان» را ایجاد کرده است. اهداف این مجموعه، تولید آثار مکتوب مطلوب و مورد نیاز مخاطبان جوان، تأمین پشتوانه تخصصی فعالیت‌های فکری و فرهنگی و نیز توسعه ظرفیت درخور برای شناسایی پژوهشگران و فرهیختگان فعال در عرصه مسائل جوانان و عرضه آثار آنان است. فعالیت‌های علمی این مرکز که به «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» وابسته است، در قالب پنج گروه علمی «بینش و اندیشه اسلامی»، «مطالعات فرهنگی و اجتماعی»، «نظام‌ها و

مطالعات انقلاب اسلامی»، «اخلاق و تربیت» و «ادب و هنر» انجام می‌پذیرد. گروه «مطالعات فرهنگی و اجتماعی» مرکز پژوهش‌های فکری و فرهنگی جوان ضمن پایبندی به ارزش‌های والای دین مبین اسلام و تلاش در راستای هم‌سویی با گفتمان انقلاب اسلامی، پاسخ‌گویی به نیازهای فکری و معرفتی جوان امروز در شاخه‌های علمی تاریخ و تمدن، غرب‌شناسی و فرهنگ‌پژوهی را رسالت خویش دانسته و در این مسیر گام می‌نهد.

کتاب حاضر که تألیف جناب آقای مازیار کریمی حاجی خادمی است، به بررسی مبانی نظری و فکری جنبش طالبان در افغانستان می‌پردازد. این کتاب در چهار بخش تنظیم شده است که عبارتند از: آشنایی اولیه با طالبان، سیر تاریخی مبانی کلامی اندیشه طالبان، طالبان و قومیت پشتون و جریان‌های سیاسی و تحولات اجتماعی مؤثر در تفکر طالبان.

با توجه به تأثیرگذاری جنبش طالبان در حوزه مسائل فکری، سیاسی و فرهنگی منطقه و جهان اسلام و نیز اهمیت تحولات افغانستان به‌عنوان کشور دوست و همسایه ایران، بررسی مبانی فکری طالبان و منشأ و نحوه شکل‌گیری این اندیشه موضوعی است قابل اهمیت که مطالعه آن می‌تواند برای مخاطبان پرسشگر ما سودمند باشد.

کتاب پیش‌رو برای سطح دانشجو نگاشته شده است. سطح دانشجو در مرکز پژوهش‌های فکری و فرهنگی جوان به سطحی گفته می‌شود که مخاطب آن دانشجوی پویانده‌ای است که در ساحت کاردانی و کارشناسی به

تهذیب و تحصیل مشغول می‌باشد و ۱۸ تا ۲۶ بار تقویم از روی تاریخ تولدش ورق خورده است.

این گروه ضمن سپاس از قلم محقق ارجمند، و ارزیابان محترم تحقیق جناب حجت‌الاسلام والمسلمین علی ذوعلم و آقای احمد صادقی، آمادگی خود را برای دریافت دیدگاه‌ها و پیشنهادهای شما خواننده گرامی اعلام می‌دارد.

گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
مرکز پژوهش‌های جوان

www.ketab.ir

مقدمه

افغانستان از تنوع قومی کم‌نظیری برخوردار است و اقوام مختلفی از قبیل پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، قرقیز، بلوچ، ایماق، نورستانی و پنجشیری را در خود جای داده و در سه قرن گذشته همواره صحنه درگیری‌های خونین داخلی میان اقوام مختلف این کشور و نزاع ملت افغان با تجاوزگران خارجی بوده است.

تشکیل دولت افغانستان در سال ۱۲۱۶ ش (۱۷۴۷ میلادی) به دست احمد شاه ابدالی و برقراری نظام سلطنتی بیشتر از آنکه به ثبات سیاسی و آرامش داخلی این کشور کمک کند، زمینه را برای کشمکش‌های قبیله‌ای میان دو تیره اصلی قوم پشتون یعنی غلزایی‌ها و ابدالی‌ها (درانی‌ها) فراهم نمود. تنازعاتی که حدود دو قرن به طول انجامید و تلفات مالی و جانی زیادی بر جای گذاشت.

حکومت جمهوری داودخان در سال ۱۳۵۲ ش (۱۹۷۳) نیز نتوانست به بهبود اوضاع این کشور کمک شایانی نماید؛ چنان‌که عمر کوتاه این جمهوری بعد از پنج سال با کودتایی خونین به پایان رسید. با اشغال افغانستان از سوی شوروی سابق در دسامبر ۱۹۷۹ (آذر ۱۳۵۸) مرحله

تازه‌ای از جنگ و ناامنی افغانستان را فرا گرفت. نبرد جانانه و مثال‌زدنی ملت افغانستان با اشغالگران کمونیست که حدود یک دهه به طول انجامید، هر چند با پیروزی این ملت مقاوم و خروج نیروهای شوروی در بهمن ۱۳۶۷ (فروردیه ۱۹۸۹) از این کشور همراه بود، اما تلفات انسانی فراوان سال‌های جنگ و آوارگی مفرط مردم نمی‌توانست این پیروزی را آنچنان‌که باید به کام افغان‌ها شیرین سازد. به‌خصوص که با روی کار آمدن دولت مجاهدین در فروردین ۱۳۷۱ (آوریل ۱۹۹۲ میلادی) این بار شعله‌های جنگ خانمان‌سوز داخلی به روی مردم افغانستان افروخته شد و نزاع جناح‌های مختلف، سریال جنگ، کشتار و ناامنی را در افغانستان تداوم بیشتری بخشید. با توجه به اینکه از زمان استقلال افغانستان در سال ۱۷۴۷ میلادی (۱۱۲۶ش) تاکنون، هیچ دولتی با اراده مستقیم مردم به وجود نیامده بود، با روی کار آمدن طالبان، ملت سلحشور و ستم‌دیده افغانستان این بار در آزمونی سخت‌تر قرار گرفت.

طالبان که با تصرف قندهار در ۱۴ آبان ۱۳۷۳ میلادی (۵ نوامبر ۱۹۹۴) خود را به‌عنوان یک جنبش اصلاحگر که به دنبال احیای ارزش‌های اسلامی و برقراری صلح و امنیت در افغانستان است، معرفی نمود، عموماً از طلاب حوزه‌های علمیه و مدارس دینی دو کشور پاکستان و افغانستان متشکل بودند که تحت تأثیر عوامل متعدد سیاسی و دخالت چند کشور به‌ویژه پاکستان و البته مشکلات و جنگ‌های داخلی افغانستان، فرصت ظهور یافتند.

با بررسی دیدگاه‌ها و تفکرات طالبان به تضادهای چشمگیری برمی‌خوریم که فاصله زیاد میان اهداف طالبان با تجلی عملی این اهداف و شعارها را به تصویر می‌کشند. طالبان به‌زعم خود به دنبال تشکیل خلافت اسلامی به سبک خلفای راشدین بودند و ملا عمر، رهبر خود را امیرالمؤمنین خواندند و همواره در بخشنامه‌ها و اعلامیه‌های دینی و سیاسی خود به آیات قرآن و احادیث نبوی استناد می‌جستند؛ اما در اجرای احکام اسلام و قرآن از بصیرت دینی لازم‌برخوردار نبودند و مقتضیات زمان را در نظر نمی‌گرفتند. در این میان با توجه به سیاست خاص طالبان در قبال زنان و مسائل اجتماعی و به‌خصوص وسایل ارتباط جمعی، تحلیل‌های گوناگونی در مورد طالبان صورت می‌گیرد که بعضاً در تقابل و تضاد با یکدیگر است. از این‌رو با توجه به تأثیرگذاری این جنبش در حوزه مسائل فکری، سیاسی و فرهنگی منطقه و جهان اسلام و اهمیت تحولات افغانستان به‌عنوان کشور همسایه ایران، بررسی مبانی فکری طالبان و منشأ و نحوه شکل‌گیری این اندیشه، موضوعی است قابل اهمیت که ضمن روشن کردن برخی از ابهام‌های موجود می‌تواند راه را برای پژوهش‌های بعدی در موضوع طالبان بگشاید. بدین‌منظور نگارنده برای نیل به اهداف پژوهش‌های آن شد تا مبانی فکری طالبان را در سه حوزه کلام، سیاست و قومیت پشتون مورد بررسی قرار دهد تا تأثیرگذاری هر حوزه در شکل‌گیری تفکر این گروه مشخص شود.

از آنجاکه در بررسی مبانی فکری هر جنبش، آشنایی اولیه با آن لازم

است، در بخش اول ضمن اشاره به اندیشه سیاسی، رهبری و تشکیلات طالبان، دو بحث نیز به صورت فشرده مورد بررسی قرار می‌گیرد: ابتدا علل داخلی و خارجی روی کار آمدن طالبان و سپس عقاید و سیاست‌های طالبان در عرصه دین، فرهنگ و اقتصاد.

در بخش دوم ضمن بیان سیر تاریخی مبانی کلامی اندیشه طالبان، به نقد و بررسی مبانی کلامی اندیشه ایشان می‌پردازیم.

در بخش سوم به گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و سیاسی-مذهبی مؤثر در تفکر طالبان اشاره می‌کنیم که با حمایت‌های مادی و معنوی خود از مدارس دینی طالبان که در واقع منشأ اصلی پیدایش مبانی فکری طالبان بودند؛ این جنبش را به مسیر دلخواه خود هدایت نمودند؛ همچنین در این بخش به تأثیر سیاسی و اجتماعی پدیده جهانی شدن (گلوبالیزم) در اندیشه طالبان اشاره می‌کنیم.

در بخش آخر به تأثیرپذیری تفکر طالبان از نظام فکری و اجتماعی قومیت پشتون می‌پردازیم و در پایان نتایج حاصل از پژوهش را ارائه می‌کنیم.

ذکر این نکته ضروری است که چند صباحی است اخبار متعددی در مورد شورش‌های مقطعی برخی از بازماندگان طالبان در افغانستان و پاکستان و درگیری‌های شبه‌نظامیان آنان با نیروهای ناتو و افغانستان به گوش می‌رسد؛ اما با توجه به حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و روی کار آمدن دولت حامد کرزای، پژوهش حاضر به تحولات فکری و سیاسی هسته اولیه